



۱۱

## اکران ویژه برای «کودکی ناتمام»



۱۲

## صیادان سیمرغ‌های کرونایی



۱۰

در سال پیروزی انقلاب اسلامی بیش از ۷۰ کتاب شعر منتشر شد که پشت رویدادهای سیاسی پنهان ماندند

## کلمه‌های خون در خیابان

# فرهنگ

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۹ :: شماره ۵۸۶۷



### فرشته حق یارت باد



دوروز پیش جمشید نجفی برای همیشه از میان ما رفت

بسیاری از ما جمشید نجفی را به چهره‌نمی‌شناسیم، برخی از ماحتی او را به اسم هم نمی‌شناختیم اما فقط یک عبارت کافی است که مهم‌ترین و ماندگارترین اثر نجفی، خاطره‌های بسیاری رازنده‌کند و یکباره از جایی که هستیم پرتابمان کند به چهار دهه قبل و آن عبارت چیزی نیست جز عنوان «خلبانان، ملوانان».

جمعه‌ای که گذشت جمشید نجفی را از دست دادیم؛ او خواننده چند قطعه ماندگار انقلابی است؛ از جمله «خلبانان» و «گچه‌لر». او اصالتا آذربایجانی و متولد سال ۱۳۲۹ تهران است. نجفی در اثر تصادف رانندگی حین عبور از خیابان در شهر ری مصدوم و به بیمارستان منتقل شد و جمعه ۱۰ بهمن درگذشت.

ماجرای سرود «خلبانان، ملوانان» که در واقع نامش «پروازکن» است به روزهایی برمی‌گردد که ماندگارترین قطعات موسیقی ایران ساخته شده‌اند؛ قطعاتی که به دلیل سرعت در تولید و انتساب به یک جریان پرشور گذرا می‌شد عمیق و ماندگار نباشند اما حالا

جزو به یادمانی‌ترین‌های موسیقی کشورمان هستند. در آن روزها گروه‌های متعددی مشغول به کار بودند و گویا اسفندیار قره‌باغی که از او «آمریکا آمریکا» را به یاد داریم به فریزر ساختن قطعه خلبانان گفته در ساخت قطعات انقلابی از ما آذری‌ها پیشی گرفته‌اند. این شوخی برنجان را به ساخت آهنگ‌های انقلابی تشویق کرده بود؛ فعالیتی که تا سال‌های آغاز جنگ هم ادامه یافت. برنجیان در مستند بزم رزم درباره ساختن قطعه خلبانان گفته است؛ در اوایل جنگ من آهنگساز رسمی صداوسیما بودم. خانه ما نزدیک ستارخان بود و ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ فرودگاه تهران مورد اصابت بمب قرار گرفت. این اتفاق مرا بسیار غمگین کرد. در آن روزها من قطعه‌ای را ساخته بودم و قرار بود فردایش برای ضبط قطعه به استودیو برویم. همان شبی که بمبی در فرودگاه افتاد من ناخودآگاه دستم را بالا بردم و گفتم: پرواز کن. همان شب قطعه «خلبانان» را نوشتم و انگیزه‌ام این بود که خلبانان‌ها بروند و انتقام حمله

عراق به فرودگاه تهران را بگیرند. روز بعد که به استودیو رقتیم به جای آن قطعه قبلی «خلبانان» را ضبط کردیم. قطعه که ساخته شد، فریدون شهبازیان به عنوان رهبر ارکستر و نوازندگان ارکستر صداوسیما در نواختن قطعه همکاری کردند. جمشید نجفی آن را خواند و همان روز هم از رادیو و تلویزیون پخش شد. از آنجایی که نجفی و برنجان به عنوان خواننده و آهنگساز اهل استان آذربایجان هستند، این قطعه به دو زبان فارسی و آذری اجرا شده است.

# پایان مجسمه

به مناسبت آغاز دهه فجر، روایتی بخوانید از پایین کشیدن مجسمه‌های شاه که در آتش خشم مردم از حکومت پهلوی نابود شدند



۲۶ دی سالورز فرار محمدرضا پهلوی از کشور است. بعد از این اتفاق، در همه استان‌های کشور اتفاقات بزرگی رخ داد که پایین کشیدن مجسمه شاه در شهرهای مختلف از مهم‌ترین این وقایع است. ماجرای پایین کشیدن و سرنگون کردن مجسمه‌های محمدرضا پهلوی از ۲۶ دی آغاز شد و تا ۲۲ بهمن ماه که اوج ماجرای انقلاب اسلامی بود، به تدریج ادامه یافت و مجسمه‌های شاه یکی پس از دیگری در شهرهای مختلف فرو ریخت. ۲۶ دی که شاه با بالگردش از کاخ نیاوران به فرودگاه مهرآباد رفت تا از کشور خارج شود و بعدها به مصر برود، خبر خروج شاه در اخبار ساعت ۱۴ اعلام شد و به دنبالش شادی و نشاط عمومی سراسر کشور را فراگرفت. پس از این اتفاق و اعلام خبرش در اخبار رسمی کشور، مردم به خیابان‌ها آمدند و شور انقلاب سراسر کشور را فراگرفت و همین امر سبب شد که در بهیچ‌وجه روزهایی مردمی که بالاخره ثمره خون عزیزان‌شان را می‌دیدند، مجسمه‌های شاه در سرتاسر کشور سرنگون شدند. تعداد مجسمه‌های سرنگون شده شاه ایران بسیار زیاد است و روایت‌های مختلفی از سرنگونی این مجسمه‌ها در جای‌جای ایران وجود دارد. پرداختن به تمام این ماجراها از ظرفیت این گزارش خارج بود، بنابراین نگاهی گذرا خواهیم داشت به برخی از روایت‌های جالب‌تر درباره پایان مجسمه‌های شاه در ایران.



پیمان طالبی ادبیات و هنر

### از این حرف‌های خطرناک زنن!

پس از سال‌های کودتای ۲۸ مرداد در شهرهای مختلف ایران مجسمه‌هایی از شاه و مجسمه‌هایی از رضا شاه در میادین نصب شد؛ مجسمه‌هایی که از موادی چون سنگ و برنز ساخته می‌شدند و جایگزین مجسمه‌های سیمانی سابق بر این شدند. از شاپور بختیار گفت‌وگویی در سال ۵۶ وجود دارد که در آن اعلام می‌کند که در آن روزگار ۳۰ مجسمه از خاندان پهلوی در تهران نصب شده که به گفته او «این نشانه علاقه مردم به اعلیحضرت است»

البته در پاسخ به این ادعای بختیار باید دو نکته را مدنظر قرار داد؛ اول این که ساختن مجسمه در ابتدای امر و در ذات خود برای تکریم و بزرگداشت یک شخصیت است. حتی اگر نصب این مجسمه‌ها گویای ارادت و تکریم «مردم» باشد، تولید مجسمه در این تعداد چه ضرورتی می‌توانسته داشته باشد؟ نکته دیگر آن است که آن‌گونه که در تاریخ آمده، نه تنها مردم که افرادی از مجموعه‌های وابسته به نظام شاهنشاهی نیز به روند ساخت و نصب این مجسمه‌ها معترض بوده‌اند. برای مثال لیلیت طریان کسی است که ریاست کمیسیون ساخت و نصب مجسمه در وزارت فرهنگ و هنر را در دوره پهلوی عهد‌دار بوده است. او در خاطراتش در این خصوص چنین می‌گوید: «با مهندس سیحون برای بازدید از یکی از مجسمه‌ها به تسلیحات ارتش رقتیم و دیدیم که با ذوب اسلحه و مهمات در حال ساخت مجسمه هستند. رو به مهندس سیحون گفتم زمان جنگ اول و دوم جهانی مجسمه‌ها را برای ساخت اسلحه و مهمات ذوب می‌کردند اما حالا ما اسلحه و مهمات را ذوب می‌کنیم و مجسمه می‌سازیم، همانجا مهندس سیحون گفت: از این حرف‌های خطرناک زنن! به او گفتم خب این مجسمه را برای سر پل ذهاب می‌سازیم اما آنجا که اصلا امکاناتی ندارند، پس چه نیازی به مجسمه هست؟»

### سرزشت مجسمه‌ها

خشم مردم از رژیم شاهنشاهی سبب شد که در دوره‌ای که این مجسمه‌ها یکی پس از دیگری در جای‌جای کشور سرنگونی می‌شدند، به مجرد سرنگونی، توسط گروه‌های مردمی نابود نیز بشوند. یعنی مردمی که مجسمه محمدرضا پهلوی را از بالا به زیر می‌کشیدند، به همین بسنده نمی‌کردند و با چوب و چماق به جان آن می‌افتادند. تعداد بسیار زیادی از این مجسمه‌ها در کشور شکسته، خرد و حتی ذوب شدند و امروز بقایایی از آنها نیست. اما برخی از این مجسمه‌ها یا حتی بخش‌هایی از آنها کماکان در گوشه و کنار انبار موزه‌ها وجود دارند. در این زمینه اختلاف نظرهایی جدی نیز بین صاحب‌نظران و مسؤولان وجود داشته و دارد. برخی براین عقیده‌اند که این مجسمه‌ها نماد طاغوتند و باید تمام و کمال ساقط شده و از بین بروند. اما برخی نیز می‌گویند که بخشی از تاریخ مردم ایران با این آثار گره‌خورده و نگاه داشتن این اسناد تاریخی در موزه‌ها آسیبی ندارد. منصور فروزش در اواخر سال ۸۸ مستندی به نام «قصه اعلیحضرت» ساخت که در رابطه با محمدرضا شاه مخلوع و وقوع انقلاب بود. در بخشی از این مستند، او به دنبال بقایای مجسمه شاه در دانشگاه تهران سراغ افراد مختلف اعم از اساتید، مسؤولان دانشگاه و دانشجویان می‌رود و در کمال تعجب متوجه می‌شود در فضای سبز حیاط پردیس دانشکده هنرهای زیبایایی از مجسمه شاه در گوشه‌ای رها شده است. این در حالی است که بسیاری از دانشجویان و دانشگاهیان از وجود این مجسمه - تا زمان تولید و در نهایت انتشار مستند - بی‌اطلاع بودند. در بخشی از این مستند یکی از دانشجویان صراحتاً می‌گوید: «چهارمین سالی است که اینجا درس می‌خوانم اما اولین بار است که این را می‌بینم!»



دانشجویان و دانشگاهیان از وجود این مجسمه - تا زمان تولید و در نهایت انتشار مستند - بی‌اطلاع بودند. در بخشی از این مستند یکی از دانشجویان صراحتاً می‌گوید: «چهارمین سالی است که اینجا درس می‌خوانم اما اولین بار است که این را می‌بینم!»

### مجسمه شاه

### نزدیک محل زندگی امام

«عباس عطار» یک عکاس خبری ایرانی و از عکاسان مشهور آنزس عکس مگنوم است که در ۱۹۴۴ به دنیا آمده، در پاریس زندگی می‌کند و شهرت خود را بیشتر مدیون عکاسی از جمهوری ساقط شده «بیافرا» (کشوری سابق در قاره آفریقا) است. او عکاسی از ویتنام و آفریقای جنوبی را هم در کارنامه‌اش دارد. او بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ برای عکاسی از انقلاب، به تهران برگشت و ۱۷ سال بعد در ۱۹۹۷ بار دیگر به تهران آمد تا تصویر دیگری از تهران بعد از انقلاب رایت کند. از مشهورترین عکس‌هایی که این عکاس ایرانی در طول انقلاب گرفته، عکس‌های مربوط به پایین کشیدن مجسمه رضا و محمدرضا پهلوی از روی پایه‌های بتونی این مجسمه‌ها در تهران است. عطار وقتی بار دیگر در سال ۱۳۷۵ به ایران آمد، تلاش کرد تا عکس‌های خود از سقوط مجسمه‌های خانواده پهلوی را کامل کند. دانشجویان معترض در این عکس مجسمه شاه را به زیر می‌کشند. به نظر می‌رسد دانشجویان با نصب پلاک روی گردن مجسمه تلاش کرده‌اند تا از این نماد برای نشان دادن مجرم بودن آخرین پادشاه ایران استفاده کنند. در عکسی که عطار گرفته، نیمی از نشان دانشگاه تهران روی پای بتونی مجسمه نیز مشخص است.

در جریان همان درگیری‌های انقلابی، مجسمه محمدرضا شاه در مقابل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، از پایه جدا شد. عباس عطار، عکسی از مجسمه ساقط شده انداخته و در شرح آن نوشته که مجسمه نزدیک محل زندگی امام روی زمین رها شده بود!

روی مجسمه نصب شده در دانشگاه تهران چنین نگاشته شده بود: «بیکر همایون اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه دانش پرور که عنایات و توجهات ذات همایونش مایه پیشرفت و استقلال دانشگاه تهران بوده و هست به نشانه سپاسگزاری از طرف استادان و دانشگاهیان برپا گردید.

بهمن ماه ۱۳۳۲»

### حمله ماموران شاه به

### مجسمه‌اش!

همدان‌ی‌ها هم پس از شنیدن اخباری مبنی بر فرار شاه، به دنبال آن بودند تا هرآنچه نشانه از شاه و خاندانش است را از بین ببرند. از این رو تصمیم به پایین کشیدن مجسمه شاه در میدان پهلوی یعنی میدان جهاد فعلی داشتند که گفته می‌شود به دلیل نبود وسایل و با ورود نیروهای رژیم شاه، این اقدام را به صبح روز بعد موکول کردند. اما شب ۲۷ دی ماه کم کم که هوا رو به تاریکی رفت و در نیمه‌های شب مأموران شاهنشاهی از ترس آن‌که مبادا روز بعد در گیر و دار پایین کشیدن مجسمه شاه درگیری به وجود آید، با گذشتن نیمی از شب و حوالی ساعت یک نیمه شب، مأموران انتظامی و ارتش خودشان اقدام به این کار کردند!

ابوالفتح مومن نویسنده کتاب «انقلاب اسلامی در همدان» از زبان حاج محمود دادفرما در کتاب خود آورده است که «شهربانی و ارتش با همکاری آیت‌ا... مدنی و به منظور جلوگیری از درگیری مردم با مأموران، شبانه مجسمه‌های محمدرضا شاه را پائین کشیده و به پادگان همدان منتقل کردند.»

### آینده روشن

### از همین امروز

برنامه‌های فرهنگی هنری شهرداری تهران برای دهه فجر اعلام شد

به مناسبت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از امروز ویژه‌برنامه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران آغاز می‌شود. معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران گفته این مجموعه برنامه با عنوان «آینده روشن» طراحی شده و از جمله آنها پوتم‌سمفونی آینده روشن، برنامه سه رنگ سربلندی، کتاب ماه، اتوبوس کتاب دهدد و برنامه پیزنگ را نام برد. سید علیرضا فاطمیان‌پور توضیح داد: نخستین پوتم‌سمفونی به نام «سرباز» در نخستین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی رونمایی شد و دومین پوتم‌سمفونی به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌پردازد و با عنوان آینده روشن در دهه فجر رونمایی می‌شود.

برنامه سه رنگ سربلندی به ترویج نماد پرچم و سرود جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و در چهار بخش سرود کودک و نوجوان، مسابقه طراحی پوستر ویژه پرچم ایران، مسابقه عکس موبایلی از نصب پرچم در سطح شهر و مسابقه اجرای نمایش تاج شاه و کلاه‌ها توسط کودکان برگزار می‌شود. کتاب ماه مسابقه کتابخوانی با موضوع انقلاب اسلامی در دو بخش کودک و نوجوان و بزرگسال خواهد بود که در سایت dtlib.ir برگزار می‌شود و ایلکیشن‌های حوزه کتابخوانی هم‌در بزرگاری آن مشارکت دارند. همچنین کلیپ‌های «کتاب‌دان» با معرفی ۱۰۰ کتاب در حوزه انقلاب اسلامی منتشر می‌شود. پویش میدانی ایران ما انقلاب ما نیز با نصب استیکر و نقش پرچم ایران بر شیشه خودروها برگزار می‌شود و فضای شهر را برای دهه فجر همپایی کند.

همچنین سه نماهنگ خط ویژه، چهل سردار و فارزتمندیا در این ایام تولید و منتشر می‌شوند. اتوبوس‌های کتابگرد «دهد» چند سالی است که در نقاط مختلف تهران خدمات کتابخانه‌ای ارائه می‌کنند و در دهه فجر چهار دستگاه اتوبوس و یک مینی‌بوس با حضور در روستاهای محروم اطراف تهران به اجرای برنامه و برگزاری مسابقه می‌پردازند. همچنین در محل جلوس حضرت امام خمینی(ره) در بهشت زهرا(س) غرفه‌های متعددی به مدت ۱۰ روز فعالیت خواهند کرد و برنامه‌های فرهنگی و هنری متنوعی هم تدارک دیده‌ایم. پویش هر خانه یک تارک با تحویل پرچم ایران به شهروندان داوطلب با کمترین قیمت و با نصب رایگان برگزرمی‌شود و برای هماهنگی آن با ۱۰۰ مسجد شهر تهران همکاری داریم.

برنامه فصل رویش امسال با تجلیل از رویش‌های انقلاب اسلامی در عرصه رسانه برگزار می‌شود و در آن چند چهره رسانه‌ای که بعد از سال ۱۳۵۷ متولد شده‌اند، تجلیل می‌شوند. نمایشگاه «ایران ما انقلاب ما» به نمایش آثار هنری با موضوع انقلاب در سالن انتظار فرودگاه مهرآباد برپا می‌شود.

«پیزنگ» دیگر برنامه‌ای است که در آن باشگاه‌های نوجوانان در حوزه‌های کارآفرینی، مهارت‌افزایی، رسانه و... ایجاد می‌شود و از کارهای ادامه‌دار و دائمی سازمان فرهنگی هنری خواهد بود.